

دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ وطن امروز شماره ۴۷۲۶	
 ایران	
اخبار	

سرلشکر عبداللهی:

فراجا جلوی تجزیه ایران را گرفت

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا اظهار کرد:فراجا در جنگ و کودتا جلوی تجزیه ایران را گرفت. به گزارش تسنیم، سردار سرلشکر خلیبان علی عبداللهی در پیامی ضمن تبریک هفته فراجا تأکید کرد:دفرماندهی انتظامی کل کشور باحضور مداوم و مستحکم، دیوار اعتماد عمومی را حفظ کرد و در جنگ و کودتا جلوی تجزیه ایران را گرفت.

متن کامل پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر گرانقدر سردار سرتیپ پاسدار احمدرضا رادان

فرمانده محترم کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران سلام علیکم؛ «هفته فراجا» در سالی فرامی‌رسد که ملت ایران از مَون‌های امنیتی و نظامی بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشت. تجربه جنگ‌های تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه آمریکایی - صهیونی و کودتای دی ۱۴۰۴ ثابت کرد میدان نبرد امروز صرفاً خط مقدم موشکی نیست؛ خیابان، ذهن مردم و تاب‌آوری اجتماعی میدان اصلی تقابل است. در جنگ ۱۲ روزه، دشمن با خطای محاسباتی به دنبال تسلییم و تجزیه بود اما هوشیاری فراجا در پایش صحنه داخلی، با بهره‌گیری از مشارکت و هم‌افزایی بسیج مردمی و سایر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، توطئه را خنثی کرد. ۱۸ و ۱۹ دی، کودتاگران و عناصر مسلح وابسته به سرویس‌های بیگانه به فرمانداری‌ها و مراکز انتظامی حمله کردند اما فراجا با هوشمندی، فداکاری و ایستادگی مثال‌زدنی، خط مقدم امنیت ملی را در نظم عمومی و ثبات محلات تثبیت کرد. یادآوری برخی دستاوردها در این صحنه خطیر و پر مخاطره، گویای عظمت مجاهدت‌های فراجاست: کاهش بیش از ۶۰ درصدی شلرات، دستگیری بیش از ۸۵ درصد اراذل نشان‌دار و انسداد هزاران نشانه‌ان فعال در جنگ شناختی بیاتگر این حقیقت است که پیروزی در جنگ ۴۰ روزه و نبردهای پس از آن تا امروز، بدون امنیت درونی ممکن نبود و فراجا با حضور مداوم و مستحکم خود، دیوار اعتماد عمومی را حفظ کرد. بی‌تردید در شرایطی که دشمن شکست خورده در میدان، امروز بر جنگ شناختی متمرکز شده، فراجا نەتنها ضابط قانون، بلکه مسیر بصیرت‌افزایی و صیانت از سرمایه اجتماعی است. عملکرد درخشان آن در بیش از ۲۱۰۰ حمله مسلحانه فرینی ملت مبعوث ایران در پهنه مینهن اسلامی، گویوی از امنیت مردم‌پایه را ثبت کرد. اینجانب با گرامیداشت یاد و نام شهیدای فراجا در جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه و کودتای آمریکایی - صهیونیستی دی‌ماه و صیانت از مرزهای کشور و تبریک این ایام، نخست، از فرماندهان و کارکنان این فرماندهی که در تقاطع جنگ سخت، نرم و شناختی ایستادند، صمیمانه قدردانی و با آرزوی دوام توفیق و سربلندی یکایک مجاهدان فراجا، تأکید می‌کنم کاربست اندیشه و میراث فکری معمار کبیر انقلاب و پیشوای شهید امت و تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت امام‌سیدمجتبی حسینی خلمنه‌ای مظلله‌عالی، ضامن عبور از پیچ تاریخی بزرگ امروز است.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا؛

سرلشکر پاسدار خلیبان علی عبداللهی

■ ■ ■

پیام تبریک سرلشکر وحیدی

به مناسبت درخشش تیم ملی المپιάد نجوم

فرمانده کل سپاه به مناسبت درخشش تیم ملی المپیاد نجوم و اخترفیزیک ایران پیام تبریک صادر کرد. به گزارش تسنیم، سردار سرلشکر پاسدار احمد وحیدی به مناسبت درخشش تیم ملی المپیاد نجوم و اخترفیزیک ایران پیام تبریک صادر کرد. متن پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
خبر مسرت‌بخش و غرور‌انگیز کسب ۵ مدال طلا و قهرمانی جهان برای سومین سال پیاپی توسط تیم ملی المپیاد نجوم و اخترفیزیک جمهوری اسلامی ایران در رقابت‌های جهانی هانوی ویتنام، با حضور ۶۶ کشور، مایه شادمانی و افتخار عمیق ملت ایران و نیروهای مسلح و مدافعان مینهن اسلامی شد. این پیروزی ارزشمند، جلوه‌ای دیگر از توانمندی، پشتکار و استعداد جوانان این مرز و بوم در عرصه‌های علمی و بین‌المللی است و بار دیگر ثابت کرد ایران اسلامی با تکیه بر سرمایه انسانی متعهد و متخصص، مسیر پیشرفت و پیدمانی را با اقتدار ادامه می‌دهد. اینجانب ضمن تبریک صمیمانه این افتخار بزرگ به ملت شریف ایران، به‌ویژه دانش‌آموزان مبدل‌آور، خانواده‌های گرامی‌شان، معلمان و اساتید دلسوز و مسؤولان مربوط، از درگاه خداوند متعال توفیق روزافزون این عزیزان را تحت پرچم نظام مقدس جمهوری اسلامی و اعتلای نام ایران و ایرانی در جهان پرمجاری امروز آرزومندم.

■ ■ ■

سردار محبی:

جنگ آمریکا با ایران است

یا با مردم آمریکا؟

سختگوی سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی با اشاره به هزینه اعزام نیروهای جدید آمریکا به جنگ و جهش قیمت‌ها پرسید: جنگ با ایران یا مردم آمریکا؟!
سردار حسین محبی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: هزینه‌های سرسام‌آور برای اعزام یک گروه جدید به صحنه جنگ هم‌زمان با جهش قیمت‌ها در آمریکا و برداشت جدید از ذخایر نفتی؛ جنگ با ایران یا با مردم آمریکا؟!
به گزارش تسنیم، در پی افزایش هزینه‌های نظامی آمریکا و اعزام نیروو تجهیزات جدید آن کشور به منطقه، بحث درباره پیامدهای اقتصادی نادرهم جنگ برای آمریکا و شهروندان آن بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است. هم‌زمان با تحولات بازار انرژی و افزایش قیمت‌ها در آمریکا، برداشت از ذخایر نفتی آن نیز به یکی از موضوعات مورد اشاره در تحلیل‌های مرتبط با شرایط اقتصادی آمریکا تبدیل شده‌است. این هزینه‌های برای آمریکا در حالی رقم می‌خورد که دشمن می‌خواست مردم کشورمان را تحت فشار اقتصادی قرار دهد.

جنگ آمریکا علیه ایران فقط از عرشه ناهای هواپیمابر آن کشور در خلیج فارس، پایگاه‌های نظامی واشنگتن در منطقه یا بمب‌افکن‌هایی که از خاک آمریکا به سوی غرب آسیا پرواز کردند، اداره نمی‌شده، پشت سر این عملیات، شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا قرار داشت؛ جایی که رؤسای دولت‌های اروپایی در برابر افکار عمومی خود بارها ادعا کردند «این جنگ ما نیست» اما هم‌زمان فرودگاه‌ها، پایگاه‌های هوایی، بندار، مراکز ارتباطی، هواپیماهای سوخت‌رسان و شبکه لجستیکی‌شان در خدمت ماشین جنگی آمریکا قرار گرفت. حالا اظهارات وزیر امور خارجه ابعاد تازه‌ای از این واقعیت را روی میز گذاشته است.	پسین ۴ تا ۵ هزار سورتی پرواز هواپیماهای آمریکایی از پایگاه‌های اروپا در جریان جنگ علیه ایران انجام شده است. این عدد را دبیر کل ناتو اعلام کرده؛ رقمی که خود او آن را نشانه‌ای از میزان مشارکت و همراهی کشورهای اروپا با عملیات آمریکا توصیف کرده است. مارک روته در گفت‌وگویی اعلام کرد تنها از پایگاه‌های آمریکایی در ایتالیا ۵۰۰ هواپیمای آمریکایی برای انجام حملات به ایران پرواز کرده‌اند و افزود: اگر کل اروپا را در نظر بگیریم، سخن از ۴ تا ۵ هزار «مأموریت پروازی» است. سیدعباس عراقچی در دیدار سفرا و کارداران نمایندگی‌های بین‌المللی مقیم تهران با اشاره به همین موضوع اعلام کرد: بیش از ۵ هزار سورتی پرواز جنگنده‌های آمریکایی برای حمله به ایران از پایگاه‌های موجود در اروپا انجام شده و ایران همچنان منظر پاسخ کشورهای اروپا به این پرسش است که چرا در جنگ علیه ایران مشارکت مؤثر داشته‌اند؟ اظهارات عراقچی در واقع فتح بای برای بازخوانی یک بخش کمتر دیده شده از جنگ اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران است. برای درک ابعاد این نقش باید ابتدا به ساختار حضور نظامی آمریکا در اروپا نگاه کرد. بر اساس داده‌های کنگره آمریکا، شبکه رسمی پایگاه‌های آمریکا در اروپا شامل ۳۱ پایگاه دائم و ۱۹ سایت نظامی دیگر است. شمار نیروهای فعال آمریکایی مستقر در اروپا در پایان سال ۲۰۲۵ حدود ۶۸ هزار نفر برآورد شده و اگر نیروهای اعزامی و چرخشی نیز محاسبه شوند، رقم حضور آمریکا در اروپا به ۸۰ هزار نفر می‌رسد. مهم‌تر از تعداد پایگاه‌ها، تمرکز جغرافیایی این شبکه است. آلمان با بیش از ۲۶ هزار نیروی آمریکایی، بزرگ‌ترین میزبان نیروهای نظامی یانکی در اروپا محسوب می‌شود. پس از آن ایتالیا و انگلیس قرار دارند. رامتاین در آلمان نیز بزرگ‌ترین پایگاه نیروی هوایی آمریکا در خارج از ایالات متحده و یکی از مهم‌ترین گره‌های شبکه نظامی آمریکا در جهان است. این شبکه فقط مجموعه‌ای از یادگان‌ها نیست. اروپا برای ارتش تروریست آمریکا حکم یک سکوی پرتاب عظیم را دارد؛ سکویی که از طریق آن می‌توان نیرو و تجهیزات را سریع‌تر به غرب آسیا منتقل، هواپیماها را به مسیر، سوخت‌گیری و تسلیح، اطلاعات جمع‌آوری، هواپیماهای آسیب دیده را تعمیر و عملیات را از فاصله‌ای بسیار نزدیک‌تر به منطقه جنگ مدیریت کرد. همین مزیت جغرافیایی است که باعث شده وابستگی آمریکا به پایگاه‌های اروپا، با وجود همه اختلافات سیاسی واشنگتن و پایتخت‌های قاره پیر، همچنان پابرجا بماند. ■ پشت جبهه‌های که دیگر پنهان نیست در روزهای اخیر، بخش فارسی رسانه انگلیسی بی‌بی‌سی در گزارشی با بررسی پایگاه‌های اروپایی مورد استفاده آمریکا، گوشه‌ای از این شبکه پشنتیبانی را آشکار کرد. بنا بر این گزارش، لائوس در پرتغال، رامتاین در آلمان و سودا در یونان عمده‌ا
---	---



جنگ آمریکا علیه ایران فقط از عرشه ناهای هواپیمابر آن کشور در خلیج فارس، پایگاه‌های نظامی واشنگتن در منطقه یا بمب‌افکن‌هایی که از خاک آمریکا به سوی غرب آسیا پرواز کردند، اداره نمی‌شده، پشت سر این عملیات، شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا قرار داشت؛ جایی که رؤسای دولت‌های اروپایی در برابر افکار عمومی خود بارها ادعا کردند «این جنگ ما نیست» اما هم‌زمان فرودگاه‌ها، پایگاه‌های هوایی، بندار، مراکز ارتباطی، هواپیماهای سوخت‌رسان و شبکه لجستیکی‌شان در خدمت ماشین جنگی آمریکا قرار گرفت. حالا اظهارات وزیر امور خارجه ابعاد تازه‌ای از این واقعیت را روی میز گذاشته است.	پسین ۴ تا ۵ هزار سورتی پرواز هواپیماهای آمریکایی از پایگاه‌های اروپا در جریان جنگ علیه ایران انجام شده است. این عدد را دبیر کل ناتو اعلام کرده؛ رقمی که خود او آن را نشانه‌ای از میزان مشارکت و همراهی کشورهای اروپا با عملیات آمریکا توصیف کرده است. مارک روته در گفت‌وگویی اعلام کرد تنها از پایگاه‌های آمریکایی در ایتالیا ۵۰۰ هواپیمای آمریکایی برای انجام حملات به ایران پرواز کرده‌اند و افزود: اگر کل اروپا را در نظر بگیریم، سخن از ۴ تا ۵ هزار «مأموریت پروازی» است. سیدعباس عراقچی در دیدار سفرا و کارداران نمایندگی‌های بین‌المللی مقیم تهران با اشاره به همین موضوع اعلام کرد: بیش از ۵ هزار سورتی پرواز جنگنده‌های آمریکایی برای حمله به ایران از پایگاه‌های موجود در اروپا انجام شده و ایران همچنان منظر پاسخ کشورهای اروپا به این پرسش است که چرا در جنگ علیه ایران مشارکت مؤثر داشته‌اند؟ اظهارات عراقچی در واقع فتح بای برای بازخوانی یک بخش کمتر دیده شده از جنگ اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران است. برای درک ابعاد این نقش باید ابتدا به ساختار حضور نظامی آمریکا در اروپا نگاه کرد. بر اساس داده‌های کنگره آمریکا، شبکه رسمی پایگاه‌های آمریکا در اروپا شامل ۳۱ پایگاه دائم و ۱۹ سایت نظامی دیگر است. شمار نیروهای فعال آمریکایی مستقر در اروپا در پایان سال ۲۰۲۵ حدود ۶۸ هزار نفر برآورد شده و اگر نیروهای اعزامی و چرخشی نیز محاسبه شوند، رقم حضور آمریکا در اروپا به ۸۰ هزار نفر می‌رسد. مهم‌تر از تعداد پایگاه‌ها، تمرکز جغرافیایی این شبکه است. آلمان با بیش از ۲۶ هزار نیروی آمریکایی، بزرگ‌ترین میزبان نیروهای نظامی یانکی در اروپا محسوب می‌شود. پس از آن ایتالیا و انگلیس قرار دارند. رامتاین در آلمان نیز بزرگ‌ترین پایگاه نیروی هوایی آمریکا در خارج از ایالات متحده و یکی از مهم‌ترین گره‌های شبکه نظامی آمریکا در جهان است. این شبکه فقط مجموعه‌ای از یادگان‌ها نیست. اروپا برای ارتش تروریست آمریکا حکم یک سکوی پرتاب عظیم را دارد؛ سکویی که از طریق آن می‌توان نیرو و تجهیزات را سریع‌تر به غرب آسیا منتقل، هواپیماها را به مسیر، سوخت‌گیری و تسلیح، اطلاعات جمع‌آوری، هواپیماهای آسیب دیده را تعمیر و عملیات را از فاصله‌ای بسیار نزدیک‌تر به منطقه جنگ مدیریت کرد. همین مزیت جغرافیایی است که باعث شده وابستگی آمریکا به پایگاه‌های اروپا، با وجود همه اختلافات سیاسی واشنگتن و پایتخت‌های قاره پیر، همچنان پابرجا بماند. ■ پشت جبهه‌های که دیگر پنهان نیست در روزهای اخیر، بخش فارسی رسانه انگلیسی بی‌بی‌سی در گزارشی با بررسی پایگاه‌های اروپایی مورد استفاده آمریکا، گوشه‌ای از این شبکه پشنتیبانی را آشکار کرد. بنا بر این گزارش، لائوس در پرتغال، رامتاین در آلمان و سودا در یونان عمده‌ا
---	---

بخشی از شبکه پشتیبانی بودند؛ شبکه‌ای که انتقال جنگنده‌ها، سوخت‌رسانی، تعمیرات و تدارکات را برعهده داشت. در مقابل، کشورهایی مانند اسپانیا، فرانسه و ایتالیا محدودیت‌هایی برای استفاده رزمی آمریکا از خاک خود وضع کردند، با این حال، محدودیت به معنای قطع همکاری نبود.

بر اساس برآورد «مرکز مطالعات شرقی» در لهستان که بی‌بی‌سی به آن استناد کرده، تجهیزات و نیروهایی که از اروپا به غرب آسیا منتقل شدند، یک‌پنجم کل نیروهای آمریکا در منطقه را تشکیل می‌دادند. اروپا در عین حال به یکی از مراکز اصلی پشتیبانی و سوخت‌رسانی هوایی عملیات تبدیل شد. مهم‌ترین نمونه، پایگاه فرورد انگلیس است؛ پایگاهی که طبق گزارش بی‌بی‌سی روشن‌ترین نمونه استفاده مستقیم از خاک اروپا برای حمله به ایران بود.

از ۶ مارس، بمب‌افکن‌های «B-1» آمریکا در این پایگاه مستقر شدند و برای حمله به اهداف موشکی ایران به پرواز درآمدند. از ۹ مارس نیز «B-52»ها به آنها پیوستند. بر اساس داده‌های پروازی و منابع متن‌باز، از ۱۳ مارس شمار بمب‌افکن‌های مستقر در فرورد به ۱۸ فروند رسید. انگلیس ابتدا مدعی بود در حملات اولیه آمریکا علیه ایران مشارکت ندارد اما در ادامه، «کی‌پر استارمر» نخست‌وزیر وقت آن کشور مجوز استفاده آمریکا از پایگاه‌های انگلیس برای هدف قرار دادن ایران را صادر کرد. در کنار فرورد، پایگاه‌های مبلدنهال و لیکنهیت برای پشتیبانی از جنگنده‌های «ف۳۵» و هواپیماهای سوخت‌رسان مورد استفاده قرار گرفتند. ۳۰ فروند «ف۳۵» و ۲۶ فروند «ف۱۵» نیز از انگلیس به سرزمین اشغالی و اردن منتقل شدند.

■ **پرتغال، فرانسه و اسپانیا**
در پرتغال، پایگاه لائوس در جزایر آزور به یکی از نقاط مهم ترانزیت و پشتیبانی آمریکا تبدیل شد. تا هفتم آوریل، پرتغال ۷۶ فرود هواپیمای نظامی آمریکا و ۲۵ عبور از حریم هوایی خود را در ارتباط با جنگ تأیید کرده بود.

فرانسه نیز اجازه داد هواپیماهای پشتیبانی آمریکا از پایگاه‌های ایستر و آوُر استفاده کنند. هواپیماهای ترابری C-17

جنگ آمریکا علیه ایران فقط از عرشه ناهای هواپیمابر آن کشور در خلیج فارس، پایگاه‌های نظامی واشنگتن در منطقه یا بمب‌افکن‌هایی که از خاک آمریکا به سوی غرب آسیا پرواز کردند، اداره نمی‌شده، پشت سر این عملیات، شبکه‌ای گسترده از پایگاه‌های نظامی آمریکا در اروپا قرار داشت؛ جایی که رؤسای دولت‌های اروپایی در برابر افکار عمومی خود بارها ادعا کردند «این جنگ ما نیست» اما هم‌زمان فرودگاه‌ها، پایگاه‌های هوایی، بندار، مراکز ارتباطی، هواپیماهای سوخت‌رسان و شبکه لجستیکی‌شان در خدمت ماشین جنگی آمریکا قرار گرفت. حالا اظهارات وزیر امور خارجه ابعاد تازه‌ای از این واقعیت را روی میز گذاشته است.	پسین ۴ تا ۵ هزار سورتی پرواز هواپیماهای آمریکایی از پایگاه‌های اروپا در جریان جنگ علیه ایران انجام شده است. این عدد را دبیر کل ناتو اعلام کرده؛ رقمی که خود او آن را نشانه‌ای از میزان مشارکت و همراهی کشورهای اروپا با عملیات آمریکا توصیف کرده است. مارک روته در گفت‌وگویی اعلام کرد تنها از پایگاه‌های آمریکایی در ایتالیا ۵۰۰ هواپیمای آمریکایی برای انجام حملات به ایران پرواز کرده‌اند و افزود: اگر کل اروپا را در نظر بگیریم، سخن از ۴ تا ۵ هزار «مأموریت پروازی» است. سیدعباس عراقچی در دیدار سفرا و کارداران نمایندگی‌های بین‌المللی مقیم تهران با اشاره به همین موضوع اعلام کرد: بیش از ۵ هزار سورتی پرواز جنگنده‌های آمریکایی برای حمله به ایران از پایگاه‌های موجود در اروپا انجام شده و ایران همچنان منظر پاسخ کشورهای اروپا به این پرسش است که چرا در جنگ علیه ایران مشارکت مؤثر داشته‌اند؟ اظهارات عراقچی در واقع فتح بای برای بازخوانی یک بخش کمتر دیده شده از جنگ اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران است. برای درک ابعاد این نقش باید ابتدا به ساختار حضور نظامی آمریکا در اروپا نگاه کرد. بر اساس داده‌های کنگره آمریکا، شبکه رسمی پایگاه‌های آمریکا در اروپا شامل ۳۱ پایگاه دائم و ۱۹ سایت نظامی دیگر است. شمار نیروهای فعال آمریکایی مستقر در اروپا در پایان سال ۲۰۲۵ حدود ۶۸ هزار نفر برآورد شده و اگر نیروهای اعزامی و چرخشی نیز محاسبه شوند، رقم حضور آمریکا در اروپا به ۸۰ هزار نفر می‌رسد. مهم‌تر از تعداد پایگاه‌ها، تمرکز جغرافیایی این شبکه است. آلمان با بیش از ۲۶ هزار نیروی آمریکایی، بزرگ‌ترین میزبان نیروهای نظامی یانکی در اروپا محسوب می‌شود. پس از آن ایتالیا و انگلیس قرار دارند. رامتاین در آلمان نیز بزرگ‌ترین پایگاه نیروی هوایی آمریکا در خارج از ایالات متحده و یکی از مهم‌ترین گره‌های شبکه نظامی آمریکا در جهان است. این شبکه فقط مجموعه‌ای از یادگان‌ها نیست. اروپا برای ارتش تروریست آمریکا حکم یک سکوی پرتاب عظیم را دارد؛ سکویی که از طریق آن می‌توان نیرو و تجهیزات را سریع‌تر به غرب آسیا منتقل، هواپیماها را به مسیر، سوخت‌گیری و تسلیح، اطلاعات جمع‌آوری، هواپیماهای آسیب دیده را تعمیر و عملیات را از فاصله‌ای بسیار نزدیک‌تر به منطقه جنگ مدیریت کرد. همین مزیت جغرافیایی است که باعث شده وابستگی آمریکا به پایگاه‌های اروپا، با وجود همه اختلافات سیاسی واشنگتن و پایتخت‌های قاره پیر، همچنان پابرجا بماند. ■ پشت جبهه‌های که دیگر پنهان نیست در روزهای اخیر، بخش فارسی رسانه انگلیسی بی‌بی‌سی در گزارشی با بررسی پایگاه‌های اروپایی مورد استفاده آمریکا، گوشه‌ای از این شبکه پشنتیبانی را آشکار کرد. بنا بر این گزارش، لائوس در پرتغال، رامتاین در آلمان و سودا در یونان عمده‌ا
---	---

و سوخت‌رسان KC-135 در این پایگاه‌ها مستقر شدند. تعامل اسپانیا با آمریکا اما متفاوت‌تر بود. مادرید از ابتدا اجازه استفاده رزمی از پایگاه‌های مورون و روتا را به آمریکایی‌ها نداد و حتی در مقطعی حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای نظامی آمریکا؛ از جمله سوخت‌رسان‌ها بست. در پی این تصمیم، ۱۵ هواپیمای نظامی آمریکا، عمدتاً KC-135، پایگاه‌های اسپانیا را ترک کردند و دست‌کم ۷ فروند از آنها به رامتاین آلمان منتقل شدند. اختلاف مادرید و واشنگتن نیز به تهدیدهای تجاری و فشارهای سیاسی ترامپ علیه اسپانیا کشیده شد. در این میان اما شاید هیچ کشوری به اندازه آلمان نماد تناقض اروپایی‌ها در این جنگ نباشد. برلین بارها اعلام کرد در جنگ مشارکت ندارد و این جنگ، جنگ آلمان نیست اما در همان حال، مهم‌ترین گره شبکه نظامی آمریکا در اروپا یعنی رامتاین در خاک آلمان فعال باقی ماند.

رامشتاین مرکز فرماندهی، ارتباطات و انتقال داده بویژه برای عملیات پهنپای و هماهنگی حملات دوربرد بود. یک پل هوایی دائم میان آمریکا، اروپا و منطقه خلیج فارس از طریق آن برقرار بود و هواپیماهای C-17 و C-130J نیرو، مهمات و تجهیزات را جابه‌جا می‌کردند. بزرگ‌ترین بیمارستان نظامی آمریکا خارج از خاک آن کشور نیز در نزدیکی همین شبکه قرار دارد. پایگاه انشپانگدام و مقر فرماندهی آمریکا در اشتوتگارت نیز در استقرار نیرو و برنامه‌ریزی راهبردی نقش داشتند. دولت آلمان می‌گفت استفاده آمریکا از رامتاین بر اساس توافق‌های چند دهه گذشته انجام می‌شود و برلین کنترل عملیاتی بر مأموریت‌های آمریکا ندارد. با این حال، همین استدلال یک سؤال اساسی را بی‌پاسخ می‌گذازد: اگر یک دولت اجازه دهد مهمات، نیرو، هواپیما، سوخت، اطلاعات و شبکه فرماندهی عملیات نظامی یک کشور دیگر از خاکش عبور کند، مرز «عدم مشارکت» دقیقاً کجاست؟!
■ **ایتالیا، یونان، رومانی و بلغارستان؛ زنجیره‌ای که تا شرق اروپا کشیده شد**
ایتالیا نیز میزبان بیش از ۱۲ هزار نیروی آمریکایی و ده‌ها

نبرد تعز، تغییر موازنه یمن

دارای اهمیتی فراتر از معادلات داخلی یمن ارزیابی کرده است. بنابراین تثبیت کنترل بر ارتفاعات و راه‌های تعز می‌تواند امکان حفاظت زمینی و پشتیبانی از حضور انصارالله در این پهنه دریایی را افزایش دهد.
۵- تعز در عین حال یک مرکز جمعیتی (سومین شهر بزرگ یمن)، تجاری و سیاسی بزرگ است، بنابراین سقوط آن صرفاً تغییر یک خط جبهه نخواهد بود. چنین تحولی یکی از مهم‌ترین کانون‌های معارضه در برابر انصارالله را از معادله خارج کرده و هم‌زمان توان نیروهای مورد حمایت سعودی برای اتصال مناطق تحت کنترل خود در جنوب به ساحل غربی را محدود می‌کند. سابقه جنگ نیز نشان می‌دهد محور جنوب تعز به سمت التربه و عدن، شریان اصلی ارتباطی شهر در دوره محاصره بوده است. بر این اساس، پیامد راهبردی تسلط احتمالی انصارالله بر تعز، «فتح یک شهر» نیست، بلکه تبدیل دستاورد ساحلی در باب‌المندب به دستاوردی دارای عمق سرزمینی است. در این سناریو، انصارالله می‌تواند ۳ مزیت را هم‌زمان کسب کند: نخست کاهش تهدید دشم‌حله علیه ساحل غربی، دوم افزایش فشار زمینی بر محور لحج - عدن و سوم تقویت اهرم خود در معادلات امنیت دریای سرخ.

به همین دلیل، نتیجه نبرد تعز می‌تواند تعیین‌کند پیشروی اخیر انصارالله در جنوب غرب یمن یک دستاورد موقت نظامی باقی می‌ماند یا به بازآرایی پایدار جغرافیای قدرت در یمن تبدیل می‌شود.

سازمان‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر از کانون‌های تخصصی حل بحران، به‌اتاق‌های بیانیه‌نویسی و مشروعیت‌بخشی به رفتارهای توحش‌آمیز و یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا تبدیل شده‌اند. تبدیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از یک نهاد نظارتی - فنی به دادستان بین‌المللی، افراد را بر مبنای توان فنی، عدالت‌خواهی یا کارآمدی ارتقا نمی‌دهد، بلکه مالک ارتقا، ساختار شیشه‌ای نیویورک طلب می‌کند. این اراده غرب است. پرونده گروسی نمونه‌ای تمام‌عیار از این مدل است؛ فردی که وظایف محوله در وین را به سود واشنگتن به سرانجام رسانده، اکنون پاداش این خوش‌خدمتی را در قالب نامزدی برای طبقه سی‌وهشتم ساختمان شیشه‌ای نیویورک طلب می‌کند. این مکانیسم سیگنال روشنی به سایر دیپلمات‌ها می‌فرستد: تعهد به بی‌طرفی و عدالت واقعی مترادف با حذف یا پایان کارنامه مدیریتی بوده و در مقابل، سرسپردگی، نردبان ترقی آنها در سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی محسوب می‌شود.

سازمان‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر از کانون‌های تخصصی حل بحران، به‌اتاق‌های بیانیه‌نویسی و مشروعیت‌بخشی به رفتارهای توحش‌آمیز و یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا تبدیل شده‌اند. تبدیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از یک نهاد نظارتی - فنی به دادستان بین‌المللی، افراد را بر مبنای توان فنی، عدالت‌خواهی یا کارآمدی ارتقا نمی‌دهد، بلکه مالک ارتقا، ساختار شیشه‌ای نیویورک طلب می‌کند. این اراده غرب است. پرونده گروسی نمونه‌ای تمام‌عیار از این مدل است؛ فردی که وظایف محوله در وین را به سود واشنگتن به سرانجام رسانده، اکنون پاداش این خوش‌خدمتی را در قالب نامزدی برای طبقه سی‌وهشتم ساختمان شیشه‌ای نیویورک طلب می‌کند. این مکانیسم سیگنال روشنی به سایر دیپلمات‌ها می‌فرستد: تعهد به بی‌طرفی و عدالت واقعی مترادف با حذف یا پایان کارنامه مدیریتی بوده و در مقابل، سرسپردگی، نردبان ترقی آنها در سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی محسوب می‌شود.

خنده‌دارترین ادعای گروسی!

گروسی در جریان بازدید از یک مرکز تحقیقاتی در یمن، ۲۰۲۵

اروپا چگونه با همکاری در ۵ هزار سورتی مأموریت پروازی هواپیماهای آمریکایی، در وحشیگری ترامپ علیه مردم ایران مشارکت کرد

پل جنایت



تأسیسات نظامی است. آویانومجل استقرار جنگنده‌های آمریکایی بود و هواپیماهای «ف ۱۶» این پایگاه پیش از جنگ به غرب آسیا منتقل شدند.

در یونان نیز پایگاه سودا در کُرت عمدتاً نقش دریایی و لجستیکی داشت. ناو هواپیمابر جرالدفورد در این پایگاه برای دریافت تدارکات توقف کرد و پس از آسیب ناشی از آتش‌سوزی نیز سودا به عنوان نقطه پشتیبانی آن مطرح شد.

رومانی نیز با استقرار هواپیماهای سوخت‌رسان، تجهیزات نظارتی و سامانه‌های ارتباط ماهواره‌ای مرتبط با عملیات ایران موافقت کرده بود. بلغارستان نیز اجازه استقرار موقت ۸ فروند KC-135 و ۲۵۰ نیروی آمریکایی در پایگاه بزم‌را صادر کرد.

■ **این داستان تازه شروع نشده بود**

نکته مهم‌تر این است که آنچه عراقچی روز گذشته بر زبان آورد، نخستین افشای نقش اروپا در جنگ نیست. روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال در همان هفته‌های نخست جنگ، در فروردین ۱۴۰۵ گزارشی منتشر کرد که نشان می‌داد اروپا در سرکوت‌کننده در حال ایفای نقشی حیاتی در عملیات آمریکا علیه ایران است.

بنا بر گزارش این روزنامه، در حالی که بسیاری از رهبران اروپا علناً حملات ژورنال در ایران را زیر سوال می‌برند، پایگاه‌های نظامی اروپا پشت صحنه یکی از پیچیده‌ترین عملیات‌های لجستیکی ارتش آمریکا در چند دهه اخیر را تسهیل می‌کردند. بمب‌افکن‌ها، پهپادها و کشتی‌های آمریکایی در مدت جنگ از پایگاه‌های بریتانیا، آلمان، پرتغال، ایتالیا، فرانسه و یونان سوخت‌گیری، تسلیح و به مأموریت اعزام می‌شدند.

وال‌استریت ژورنال از رامتاین به عنوان «مرکز عصبی» عملیات آمریکا علیه ایران نام برد و نوشت پهپادهای تهاجمی از این پایگاه در آلمان هدایت می‌شدند.

اروپا شاید نخواسته باشد نامش در کنار آمریکا به عنوان

مشارکت‌کننده در جنگ جنایت‌کارانه علیه ایران قرار بگیرد اما

مشخصاً بخش مهمی از زیرساختی که جنگ آمریکا علیه ایران

را ممکن کرد، در خاک همین قاره قرار داشت.

■ **نتیجه‌گیری**

جنگ در جبهه یمن پس از برقراری آتش‌بس ۶ مه ۲۰۲۵ مجدداً شعله‌ور شده‌است. ائتلاف سعودی در پی شکست مفتضحانه سپتامبر، کوشیده با بمباران کور مناطق غیر نظامی صنعا و صده، تصویری غالب از خود در این منازعه به تصویر کشد. به گفته منابع یمنی، مجموع حملات هوایی و موشکی عربستان از آغاز دور جدید تشدید تنش‌ها به ۱۲۵۰ حمله رسیده، با این حال در عرصه میدانی نغتنما، موفقیتی حاصل نشده، بلکه انصارالله موفق شده باهدف‌گیری پایگاه‌های نظامی و مراکز نفتی و زیرساختی سعودی، هزینه‌های هنگفتی بر ریاض تحمیل کند. در سطح داخلی نیز مقاومت یمن موفق شده در طول ۲۴ ساعت گذشته با حمله‌ای بزرگ جاده تعز - عدن به عنوان آخرین مسیر امدادرسانی به شهر استراتژیک تعز را از آن خود کرد. در این حمله ده‌ها نفر کشته شدند و ده‌ها سومین شهر بزرگ یمن را در آینده نزدیک به تصرف خود درآورد. تصرف عدن دست‌کم در ۲ حوزه پیامدهای چشمگیری را بر جا خواهد گذاشت: در صحنه داخلی، مقاومت یمن را به بازیگر برتر معادلات تبدیل و در صحنه منطقه‌ای، ضمن تضمین امنیت تنگه راهبردی باب‌المندب و ممانعت از سقوط آن مانند سال ۲۰۱۴، دست برتر را در مواجهه با ائتلاف آمریکایی - صهیونی و متحدان عرب این ائتلاف از آن محور مقاومت می‌کند. امری که به دلیل پیوستگی زیربنیوار تحولات منطقه در پساہفتم اکتبر، نقشی بسزا در تقویت مقاومت در معادلات منطقه‌ای ایفا خواهد کرد.

یک مدیر کل، خود را وامدار حمایت‌های سیاسی واشنگتن و چند پایتخت مشخص دیگر بداند، دیگر نمی‌توان از تعهد به منشور ملل متحد سخن گفت. چنین فردی، حتی پس از رسیدن به مسند دبیر کلی، با هم مهره‌ای در میز شرح طرح واشنگتن خواهد بود که مأموریتش مدیریت تنش‌ها صرفاً در راستای مهار رقابتی استراتژیک غرب است.
حکایت رافائل گروسی، قصه تلخ یک ساختار به بن‌بست رسیده است. ساختار سلطه‌محوری که از دل جنگ دوم جهانی سر برآورد، امروز نه‌تنها ناتوان از حل بحران‌های دنیا و توقف جنایات جنگی در نقاط مختلف است، بلکه به ابزاری برای تضمین و تحکیم منافع یک‌جانبه آمریکا تقلیل یافته است. سازمان‌های بین‌المللی با میدان دادن به چنین چهره‌هایی، بیش از پیش ظاهر دروغین و بزک‌شده خود را عریان و ضرورت ایجاد بلوک‌های مستقل و بازتعریف نظم جهانی علاقه‌تر را به جامعه جهانی یادآوری می‌کنند.